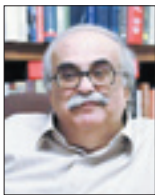


■ **خسر و معتضد**



محمد رضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت را به وی گزارش کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «شواهد متعدد نشان می‌دهد جناب آقای نعمت‌زاده... در موارد متعدد میان منافع شخصی و اهداف عمومی، اولی را ترجیح داده است. وی پیش از باز نشستگی ۱۱ سال را در سطوح بالای وزارت نفت مدیریت داشت که ۸ سال آن در سمت مدیر عامل و نایب‌رئیس هیئت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی بوده است. آقای نعمت‌زاده پس از باز نشستگی در سال ۱۳۸۸ به بخش پتروشیمی هجرت می‌کند و از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ یعنی طی حدود سه سال، در ۱۹ شرکت، مدیر عامل، رئیس هیئت مدیره یا عضو هیئت مدیره بوده است. آقای نعمت‌زاده در جلسه علنی ۱۶ آذر ۹۴ مجلس اعلان کرد که در شرکت نکت عضو هیئت مدیره بوده ولی مدعی شد که اغلب این عضویت در هیئت مدیره‌ها به دلیل استفاده از تجربیات ۴۰ ساله وی و بدون سهامداری واقعی بود. این خلاف گویی در خانه ملت وقتی آشکار می‌شود که بدائیم همسر وی، خانم مریم بختیار و دخترانش شبتم و زینب نعمت‌زاده هم‌اکنون در ۱۰ شرکت مدیر عامل، رئیس، نایب‌رئیس و عضو هیئت مدیره یا بازرس هستند. این خانم‌ها هم تجربه ۴۰ ساله دارند؟ از نکت ه فوق که بگذریم طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۲۷۳، هیچ کس نمی‌تواند هم‌زمان، هم وزیر، هم عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت‌های خصوصی باشد. این در حالی است که ایشان در برخی موارد ۶ ماه و ۱۳ ماه پس از تصدی وزارت نیز همچنان در هیئت مدیره شرکت‌ها مسئولیت داشته و حتی در خصوص شرکت صد در صد خانوادگی «توسعه تجارت نعمت» نیز دو ماه و نیم پس از دوره وزارت، مسئولیت داشته است.» در پی انتشار این نامه، خسرو معتضد تاریخ پژوه و تحلیل‌گر تاریخ، در یادداشتی که در اختیار صفحه تاریخ نهاده، به اشاراتی تاریخی در این‌باره پرداخته است. ■■■

نامه اخیر آقای احمد توکلی به آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری مایه شگفتی مردم شده است. این چندمین بار است که دکتر احمد توکلی که عدم حضورش در مجلس شورای اسلامی به ویژه در مقام ریاست کمیسیون پژوهش باعث تأسف است، در مقام رئیس هیئت مدیره دیدبان شفافیت و عدالت خصوص سواستفاده از مقام و موقعیت اداری و دولتی مهندس نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت به دولت آقای روحانی هشدار می‌دهد و گویا هیچ گوش شنوایی برای شنیدن و حداقل دستور تحقیق در خصوص دلایل مستند مردمی که زمانی وزیر کار این کشور بوده، سال‌ها در خدمات دولتی و نیز در مقام نمایندگی مجلس قرار داشته یافت نمی‌شود. آقای توکلی می‌گوید آقای مهندس نعمت‌زاده از سیاست در‌های چرخان طی ۳۸ سال گذشته استفاده کرده است. او در هر دو بخش دولتی و خصوصی ذینفع یا ذی‌نفع است. «جناب آقای نعمت‌زاده متأسفانه متدافع هر دو شکل فسادانگیز فوق است. در تنازع بین اهداف شخصی و اهداف عمومی، اولی را ترجیح می‌دهد. او ۳۰ سال از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ در مقامات دولتی مصدر کار بوده، پس از بازنشستگی به بخش پتروشیمی هجرت کرده، طی سه سال در ۱۹ شرکت مدیر عامل، رئیس هیئت مدیره یا عضو هیئت مدیره بوده است. همسر وی خانم مریم بختیار و دخترانش خانم شبتم و زینب نعمت‌زاده در ۱۰ شرکت مدیر عامل، رئیس، نایب‌رئیس و عضو هیئت مدیره یا بازرس هستند(اماشالله)

وقتی نامه آقای دکتر توکلی را می‌خواندم یاد حاج میرزا علی اصغر خان (اتابک) امین‌السلطان افتادم که در زمان ناصرالدین شاه چون پدرش میرزا اسدالله خان امین‌السلطان وزیر دربار شاهنشاهی بود. ایشان ۴۴ شغل داشت و مانند نعمت‌زاده هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی شاغل بود. یکی از مشاغلش ریاست قاطرخانه سلطنتی بود که ۹۰۰۰ رأس قاطر در اختیار آن دایره بود، شترخانه هم جزو ایوباج جمعی او بود. از آن سو با قاطر چپان تهران که صنف حمل و نقل مسافر و زائر و بار را تشکیل می‌دادند زد و بند داشت و خودش هزار رأس قاطر خریدم بود. هر زمان شاه عزم سفری به خراسان یا عراق عجم یا مازندران می‌کرد اتابک در مقام رئیس قاطرخانه علاوه بر قاطرهای دولتی هم از قاطرهای سلطنتی استفاده می‌کرد و هم قاطرهای خودش را به عنوان کسری قاطرهای دولتی به دولت یعنی خودش اجاره می‌داد. در سال‌های بعد هم چون صدراعظم! و هم مقاطعه ضرب سکه‌های دارالضرب تهران را به خودش واگذار می‌کرد و هم با همکاری حاج‌امین‌الضرب که اجاره‌دار ظاهری ضرابخانه بود انواع تقلبات را در ضرب سکه می‌کردند. کم‌ابنکه سال‌ها بعد زمان مظفرالدین شاه دولت ۷۰۰ هزار تومان از حاج‌حسن امین‌الضرب بابت تقلبات در عیار سکه‌های طلا و نقره جریمه گرفت.

آقای نعمت‌زاده پشتش به کجاست نمی‌دانم. ایشان به بخش خصوصی علاقه زیادی دارد اما از بخش دولتی و مقام منبع وزارت دل نمی‌کند. او طبق قوانینی که از صدر مشروطه یعنی حدود ۱۰۸ سال پیش وضع شده حق ندارد در زمانی که وزیر است شعاماتی در شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی داشته‌باشد. دونالد ترامپ با آن همه قلدری دید در بیضارش چند روز پیش از تمام مشاغل خود در ۱۵۰۰ شرکت و هتل و کارخانه و مؤسساتی که دارد رسماً در حضور نمایندگان قضایی امریکا

کناره گیری کرد و در چهار سال آینده حق ندارد کمترین اعمال نفوذی به نفع فرزندان خود بکند اما آقای نعمت‌زاده سلیقه والا و دل‌مشکل پسندی دارد و حتی در این ماه‌های آخر دل از پست دو وزارتخانه در حقیقت سه وزارتخانه حساس کشور برمی‌کند. وزارتخانه‌های صنعت، بازرگانی و معادن و فرازت سابق که متأسفانه یک وزارتخانه شده است.

حتی در دوران شاه تمام وزیران و معاونان وزرا پس از تصویب قانون از کجا آورده‌ای، از تصدی مقامات دولتی منع شدند، عده‌ای بر کنار، عده‌ای به بخش خصوصی رفتند، عده‌ای استعفا و عده‌ای هم بخش خصوصی را رها کردند.

آقای توکلی اتهامات سنگینی به نعمت‌زاده وارد می‌کند. او می‌گوید: «نعمت‌زاده طی سه سال گذشته در صد بوده تا نرخ چپاولی دو نیم سنتی گازی که بنگاه‌های پتروشیمی به عنوان ماده اولیه خوراک مصرف می‌کردند را دوبرابر برقرار کرد. آقای نعمت‌زاده می‌کوشد محصولات پتروشیمی را از بورس کالا خارج کند. استفاده از قدرت عمومی برای مقاصد خصوصی تعریف فساد از دیدگاه بانک جهانی است. این وزیر میلیاردرد و شیرخوار، نه تنها به آبروی دولت بلکه به آبروی حکومت ضرر می‌رساند.»

توکلی در نخستین ماه‌های حکومت آقای روحانی ماجرای رانت یک میلیارد و نیم‌می وزیر صنعت به یکی از دوستانش را بابت حمل مایحتاج گندم کشور بر ملا کرد و خاصه خرچی‌هایی که در مورد انحصار تمام تخلیه کالا به کشتی‌های آن دوست عزیز ایشان شد اما موضوع را ااپوشانی کرد. از آغاز تصدی وزارت صنعت به وسیله این وزیر لایق! که پس از مسافرت به آلمان و در مان ناشنوایی خود صریحاً اعلام کرد تکنولوژی پزشکی آلمان هشتاد سال دیگر به ایران خواهد رسید و از وزیر پزشک هم‌کارش دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی خجالت‌نکشد که اکنون عمل جراحی لیزری چشم را در حد امریکا و اروپا انجام می‌دهد، «گرانی پشت گرانی»، بر مردم تحمیل می‌شود.



حاشیه‌ای تاریخی بر نامه ریاست مؤسسه دیده‌بان شفافیت و عدالت درباره کارکرد اقتصادی وزیرصنعت، معدن و تجارت

امین‌السلطان، حکیم‌الملک، تکرار تاریخ و پدیده‌ای به نام «نعمت‌زاده!»

تاریخ

کتب‌و‌کتاب ۸۸۴۹۸۴۷۹

میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان در حال تفریح در باغچه شخصی

درد

وقتی نامه آقای دکتر توکلی را می‌خواندم یاد حاج میرزا علی‌اصغر خان (اتابک) امین‌السلطان افتادم که در زمان ناصرالدین شاه چون پدرش میرزا اسدالله خان امین‌السلطان وزیر دربار شاهنشاهی بود. ایشان ۴۴ شغل داشت و مانند نعمت‌زاده هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی شاغل بود. یکی از مشاغلش ریاست قاطرخانه سلطنتی بود که ۹۰۰۰ رأس قاطر در اختیار آن دایره بود، شترخانه هم جزو ایوباج جمعی او بود. از آن سو با قاطر چپان تهران که صنف حمل و نقل مسافر و زائر و بار را تشکیل می‌دادند زد و بند داشت و خودش هزار رأس قاطر خریده بود

میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان در حال تفریح در باغچه شخصی

وقتی نامه آقای دکتر توکلی را می‌خواندم یاد حاج میرزا علی‌اصغر خان (اتابک) امین‌السلطان افتادم که در زمان ناصرالدین شاه چون پدرش میرزا اسدالله خان امین‌السلطان وزیر دربار شاهنشاهی بود. ایشان ۴۴ شغل داشت و مانند نعمت‌زاده هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی شاغل بود. یکی از مشاغلش ریاست قاطرخانه سلطنتی بود که ۹۰۰۰ رأس قاطر در اختیار آن دایره بود، شترخانه هم جزو ایوباج جمعی او بود. از آن سو با قاطر چپان تهران که صنف حمل و نقل مسافر و زائر و بار را تشکیل می‌دادند زد و بند داشت و خودش هزار رأس قاطر خریده بود

او از تولید اتومبیل‌های معیوب و خطرناک ایرانی حمایت می‌کند، هر گرانفروشی را مجاز می‌داند. آقای توکلی رسماً او را متهم می‌کند به ماجرای بodge سال ۹۲ تا برنامه ششم توسعه ویژه خواری در حقیقت سه وزارتخانه حساس کشور برمی‌کند. تولیدکننده ذی‌نفع و اعمال فشار آقای نعمت‌زاده مشخص است.

اما آقای رئیس‌جمهوری، این دکتر شاخست‌زمان و ناپناه اقتصادی عهد عتیق را رها نمی‌کند. ایشان علاقه زیادی دارد که کابینه‌اش پر از افراد سالخورده باشد. می‌گویند ابراهیم حکیمی متولد اوایل دوران سلطنت ناصرالدین شاه بود و خودش می‌گفت وقتی وارد دولت شد، عمده‌امیر کبیر صدر اعظم بوده و حتی زمانی که در پاریس درس می‌خوانده هنوز واکسن آبله کشف نشده بوده است. حکیم‌الملک در دوران ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه، و رضاشاه و محمد رضاشاه شاغل مقام مهم بود. محمدرضاشاه او را به نخست‌وزیری گماشت

و قرار بود برود باستالین مشکلات اشغال ایران را حل کند اما او به قدری پیر شده بود که در هیئت دولت یا به خواب می‌رفت و خر و پفش بلند می‌شد یا وقتی در خیابان زاله از اتومبیل نخست‌وزیری پیاده می‌شد چون خانه و باغ وسیعش در انتهای کوچه بود به علت کپه‌وت و آنزایمر آدرس خانه‌اش را به یاد نمی‌آورد و از عابری می‌پرسید: «خانه جناب آقای حکیم‌الملک نخست‌وزیر کجاست.» او کسی بود که نامه ابلاغیه سه دولت بزرگ مینی بر اینکه قصد دارند طبق پیشنهاد مستر جیمز برنز وزیر خارجه امریکا، ایران را به هفت کشور خودمختار تجزیه کنند پذیرفت و رسید آن رامضا کرد اما نمایندگان مجلس فهمیدند و دکتر مصدق و دیگران این اتمام حجت را در مجلس عنوان کرده آن را منتفی کردند. این شخص تا سال ۱۳۳۸ که بر اثر پیری و گویا سرطان پروستات فوت کرد یا وزیر یا نخست‌وزیر یا وزیر دربار یا رئیس سنا بود و مطبوعات می‌نوشتند: «او لحیم‌الملک است» زیرا حدود صد سال عمر دارد و اعضای بدن او را به



محمد رضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت دهم

۹ جوان | شماره ۵۰۲۴

پیش‌خوانی

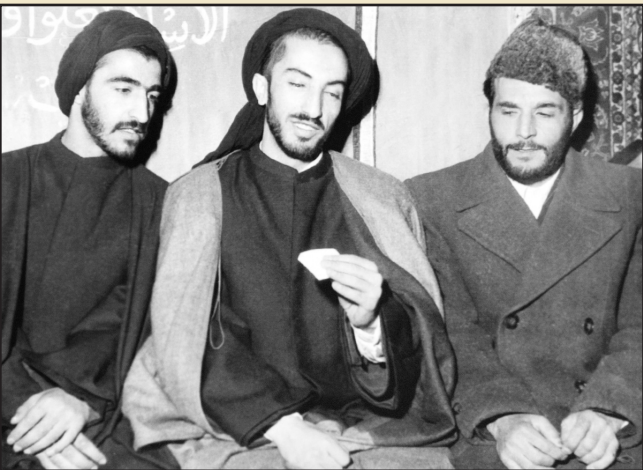
گذر و نظری بر اثر نوانتشار «فدائیان اسلام در کلام یاران»

وصف آن پاکبازان رفته

■ **عبدالرحمن حسینی فر**



تاکنون به ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی درباره عملکرد و اندیشه گروه فدائیان اسلام به نگارش درآمده است و نویسندگان و تاریخ‌نگاران بسیاری کوشیده‌اند با استناد به منابع تاریخی موجود به بازکاوی عملکرد به‌ویژه واکاوی ذهن، اندیشه و تفکر شخصیت نواب‌مفوی بپردازند. اثر حاضر نیز در راستای همین اهداف تدوین و به نگارش درآمده است، اما تفاوت‌هایی دارد که آن را از آثار دیگری که در این زمینه پدید آمده است متمایز می‌سازد. این کتاب تحلیل و واکاوی گروه فدائیان اسلام در قالب تاریخ شفاهی و از زبان شاهدان عینی بسیاری از رخدادهای دوران فعالیت گروه فدائیان اسلام است. عده‌ای از مبارزان دوره پهلوی که برخی از آنها خود عضو گروه و جمعیت فدائیان اسلام بودند در میزگردهایی کنار هم نشسته و خاطراتشان را از آن دوران روایت کرده‌اند. آنان با تکیه بر ذهن خود و بر اثر همفکری، بسیاری از ناگفته‌های مربوط به جمعیت فدائیان اسلام و نکات مفیدی را از تاریخ معاصر نقل کرده‌اند. عمده‌ترین وجه تمایز اثر حاضر با آثار دیگر حتی با اثری که در قالب تاریخ شفاهی پدید آمده‌اند، البته با موضوع جمعیت فدائیان اسلام این است که هر یک از روایت‌ها تقریباً به تأیید ضمنی دیگر شاهدان عینی حاضر در میزگرد درآمده است و این امر خواننده را از صحت و نزدیکی به واقعیت بودن هر یک از وقایع رخدادهای مطرح‌شده مطمئن تر می‌سازد. امید آن‌که این کتاب



۱۳۳۱: از راست: شهیداستاد خلیل طهماسبی، شهیدسید مجتبی‌نواب صفوی و شهیدسیدعبدالحسین‌واحی

توانسته باشد برخی از ابعاد و زوایای پنهان فعالیت‌های جمعیت فدائیان اسلام را برای ثبت در تاریخ روشن کند. همان‌گونه که ذکر شد، اثر حاضر نوعی تاریخ شفاهی است، با این تفاوت که در آن مرجع به منابع تاریخی در باره موضوع مورد بحث ضروری بود، البته قرار شد روایت دیگر با روایت صحیح ذکر شود، چون نقش نگارنده در حد تنظیم و ترتیب منطقی و علمی این روایت بود و نه ارزیابی و حتی ذکر روایت‌های دیگر از منابع متفاوت. عمده مشکلی که در این مرحله با آن مواجه بودیم تازگی برخی از روایت‌هاست، به حدی که در منابع نیز مطبیاً در باره آنها نیامده بود و به هر حال با استفاده از قرائن تا حدودی محدوده زمانی حادثه مورد نظر را می‌یافتیم. مطالب پس از تدوین نهایی چند بار توسط مجتبی‌نور و کارشناس پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی بازخوانی شد تا موضوعات تکراری در بین آنها حذف شوند.

به‌طور خلاصه اثر حاضر حاصل ۱۸ جلسه میزگرد برگزار شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که در آن عده‌ای از اعضای پیشین جمعیت فدائیان اسلام به بیان خاطره و روایت خود از فعالیت‌های فدائیان اسلام پرداخته‌اند. در میزگردهای مزبور آیت‌الله سیدمحمدعلی لوسانی، مرحوم اصغر عمری معروف به «حکاکی»، مرحوم علی بهاری همدانی، محمدمهدی عبدخدایی، مرحوم محمدرضا نیکنام امینی، سیدمحمدعلی میردامادی، مرحوم محمدمهدی فرجو، عباس غله‌زاری، حسین طهماسبی و آیت‌الله سیدجعفر شبیری در حضور داشتند و به بیان خاطرات خود پرداخته‌اند و روایت‌های دست‌اولی را بازگو کردند که شاید بسیاری از آنها برای اولین بار در تاریخ معاصر مطرح می‌شوند. امید آنکه در تدوین تاریخ، پژوهندگان را مدد رساند باشد. ان‌شاه‌الله.

میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان در حال تفریح در باغچه شخصی

میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان در حال تفریح در باغچه شخصی